

جزوه شماره ۱

اسلام

سیاست است

امام خمینی (سلام الله علیه)



﴿اسلام دین سیاست﴾

اسلام فقط عبادت نیست، فقط تعلیم و تعلم عبادی و امثال اینها نیست، اسلام سیاست است، اسلام از سیاست دور نیست، اسلام یک حکومت بزرگ بوجود آورده است، یک مملکت بزرگ بوجود آورده است، اسلام یک رژیم است، یک رژیم سیاسی است، منتها سایر رژیم ها از بسیاری از امور غافل بودند و اسلام از هیچ چیز غافل نیست یعنی اسلام انسان را تربیت می کند به همه ابعادی که انسان دارد.^(۱)

اسلام می گویند از سیاست کنار است، دین علی حده است، سیاست علی حده، و اینها اسلام را نشناخته اند. اسلامی که حکومتش تشکیل شد در زمان رسول الله و باقی ماند این حکومت به عدل یا به غیر عدل و در زمان حضرت امیر بود باز حکومت عادلانه اسلامی بود، یک حکومتی بود با سیاست با همه جهاتی که بود. مگر سیاست چی است روابط مابین حاکم و ملت، روابط ما بین حاکم با سایر حکومت ها - عرض می کنم که - جلوگیری از مفاسدی که هست، همه اینها سیاست است احکام سیاسی اسلام بیشتر از احکام عبادی آن هست. کتابهایی که اسلام در سیاست دارد بیشتر از کتابهایی است که در عبادت دارد. این غلط را در ذهن ما جای گیر کردندند و حتی حال باورشان آمده است آقایان به اینکه اسلام با سیاست جداست، یک احکام عبادی است مابین خود و خدایا، بروید توی مسجدها و هر چی می خواهید دعا کنید، هر چه

می خواهید قرآن بخوانید ما هم با شما کار نداریم اما این اسلام نیست اسلام در مقابل
ظلمه ایستاده است، حکم به قتال داده، حکم به کشتن داده، در مقابل کفار و در مقابل
متجاسرین و کسانی که چیز هستند احکام دارد. این همه احکام در اسلام نسبت به اینها
هست، این همه احکام حکم به قتال و حکم به جهاد و حکم به اینها هست، اسلام از
سیاست دور است! اسلام فقط این مسجد رفتن و قرآن خواندن و نماز خواندن است
این نیست، این احکام را دارد و باید این احکام هم اجرا بشود.^(۲)

این را که دیانت باید از سیاست جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی و سیاسی
دخالت نکنند، استعمارگران گفته و شایع کرده اند. این را بی دینها می گویند. مگر
زمان پیغمبر اکرم (ص) سیاست از دیانت جدا بود؟ مگر در آن دوره عده ای روحانی
بودند، و عده دیگر سیاستمدار و زمامدار؟ مگر زمان خلفای حق، یا ناحق، زمان
خلافت حضرت امیر (ع) سیاست از دیانت جدا بود؟ دو دستگاه بود؟ این حرفها را
استعمارگران و عمال سیاسی آنها درست کرده اند تا دین را از تصرف امور دنیا و از
تنظیم جامعه مسلمانان برکنار سازند؛ و ضمناً علمای اسلام را از مردم و مبارزان راه
آزادی و استقلال جدا کنند. در این صورت می توانند بر مردم مسلط شده، و ثروتهای
ما را غارت کنند. منظور آنها همین است.^(۳)

آنقدر آیه و روایت که در سیاست وارد شده است، در عبادت وارد نشده است.
شما از پنجاه و چند کتاب فقه را ملاحظه می کنید، هفت، هشت تایش کتابی است که
مربوط به عبادات است، باقیش مربوط به سیاسات و اجتماعیات و معاشرات و اینطور
چیزهاست. ما همه آنها را گذاشتیم کنار و یک بعد را، بعد ضعیفش را گرفتیم. اسلام

را همچو بد معرفی کرده اند به ما که ما هم باورمان آمده است که اسلام به سیاست چه. سیاست مال قیصر و محراب مال آخوند!! محراب هم نمی گذارند برای ما باشد. اسلام دین سیاست است، حکومت دارد. شما بخشامه حضرت امیر - کتاب حضرت امیر - به مالک اشتر را بخوانید ببینید چیست. دستورات پیغمبر و دستورهای امام (ع) در جنگ ها و در سیاسات ببینید چی دارد. این ذخایر را ما داریم، عرضه استفاده اش را نداریم. ذخیره موجود است، همه چیز داریم عرضه استفاده نداریم. مثل اینکه ایران همه چیز دارد اما می دهند به غیر. ما کتاب و سنتمان غنی است، همه چیز در آن هست لکن بد معرفی کردند به ما، یعنی کارشناس ها از آنوقتی که راه اروپا باز شد به آسیا و به شرق، کارشناس ها دور افتادند و مطالعه کردند. آنها بیدار بودند و من و شما توی مدرسه ها خواب بودیم. آنها مطالعه کردند...

مطالعاتشان راجع به ماها هم همین بوده است که دیده اند آن چیزی که بتواند جلوی اینها را بگیرد عبارت از اسلام است و خدمتگزار به اسلام. اسلام را از آن راه کوبیدند، جدا کردند اسلام را حتی از خود ملت اسلام، حتی از خود خدمتگزاران به قرآن. خود خدمتگزاران به قرآن هم این مطلب را نمی شود حالیشان کرد بعضی از آنها را که اسلام دین سیاست است، این را شاید عیب می دانند برای اسلام، اسلام سلطنت دارد، نه سلطنت اینطوری، حکومت دارد، اسلام امامت دارد، خلافت دارد، پیغمبر اسلام حکومت تشکیل کرده بود، حضرت امیر سلام الله علیه حکومت داشت، استاندار داشت، فرماندار داشت، همه اینها را داشت، اینها ارتش داشتند، قواعد ارتش داشتند، همه چیز داشتند.^(۴)

رسول الله پایه سیاست را در دیانت گذاشته است. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تشکیل حکومت داده است، تشکیل مراکز سیاست داده است و سایر خلفای اسلام تا آنجائی که به انحراف کشیده نشده بود و در صدر اسلام، باید همه آنها را نفی کنند، باید آنها را این آخوندهای درباری و این سلاطین نوکر مآب باید پیغمبر اکرم و خلفای اسلام را طرد کنند و بگویند که آنها مسلم نبودند، برای اینکه آنها دخالت در سیاست کردند.^(۵)

رسول خدایی که سال های طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد کرد برای این که عدالت ایجاد بشود، تبع ایجاد عدالت فرصت پیدا می شود برای این که هر کس هر چیزی دارد بیاورد. وقتی که آشفته است نمی توانند، در یک محیط آشفته نمی شود که اهل عرفان، عرفانشان را عرضه کنند، اهل فلسفه، فلسفه شان را، اهل فقه، فقه شان را. لکن وقتی حکومت یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و نگذاشت که فرصت طلب ها به مقاصد خودشان برسند، یک محیط آرام پیدا می شود، در این محیط آرام همه چیز پیدا می شود. بنابراین ((مانودی بشی)) مثل ((مانودی بالولایه)) برای این که حکومت است. به هیچ چیز مثل این امر سیاسی دعوت نشده است و این امر سیاسی بوده است، زمان پیغمبر بوده است، زمان امیرالمومنین بوده است.^(۶)

اگر شما بتوانید مفهوم مذهب را در فرهنگ اسلامی ما درک و دریافت کنید، به روشنی خواهید دید که هیچ گونه تناقضی بین رهبری مذهبی و سیاسی نیست، بلکه همچنان که مبارزه سیاسی بخشی از وظایف و واجبات دینی و مذهبی است، رهبری و

هدایت کردن مبارزات سیاسی گوشه ای از وظایف و مسئولیتهای یک رهبر دینی است. کافی است شما به زندگی پیامبر بزرگ اسلام (ص) و نیز زندگی امام علی علیه السلام نگاه کنید که هم یک رهبر مذهبی ماست و هم یک رهبر سیاسی و این مساله در فرهنگ شیعه از مسائل بسیار روشن است و هر مسلمان شیعی وظیفه یک رهبر مذهبی و دینی می داند که در سرنوشت سیاسی و اجتماعی جامعه مستقیماً دخالت کند و هدایت و نقش تعیین کننده خود را انجام دهد. مفهوم مذهب و رهبر مذهبی در فرهنگ اسلامی بسیار تفاوت دارد از مفهوم آن در فرهنگ شما که مذهب صرفاً یک رابطه شخصی و معنوی است بین انسان و خدا.^(۷)

روش پیامبر اسلام نسبت به امور داخلی مسلمین و امور خارجی آنها نشان می دهد که یکی از مسئولیت های بزرگ شخص رسول اکرم (ص) مبارزات سیاسی آن حضرت است. شهادت امیرالمومنین علیه السلام و نیز حسین علیه السلام و حبس و شکنجه و تبعید و مسمومیت ائمه علیه السلام همه در جهت مبارزات سیاسی شیعیان علیه ستمگری ها بوده است و در یک کلمه مبارزه و فعالیت های سیاسی بخش مهمی از مسئولیت های مذهبی است.^(۸)

اهتمام بر امر مسلمین این نیست که - این - من بروم نماز بخوانم و او اقتدا کند. این که امر مسلمین نیست، این امر خداست. امور مسلمین عبارت - است - از امور سیاسی و اجتماعی مسلمین است. تمام انبیا از صدر بشر و بشریت، از آنوقتی که آدم علیه السلام آمده است تا خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم، تمام انبیا برای این بوده است که جامعه را اصلاح کنند و فرد را فدای جامعه می کردند. ما فردی بالاتر از خود انبیا

نداریم، ما فردی بالاتر از ائمه علیهم السلام نداریم، این فردها خودشان را فدا می کردند برای جامعه. خدای تبارک و تعالی می فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم ((لیقوم الناس بالقسط)) غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلم ها از بین برود، ستمگری ها از بین برود و ضعفا به آنها رسیدگی بشود، قیام به قسط بشود. دنبالش هم می فرماید ((وانزلنا الحديد)) تناسب این چیست تناسب این است که با حدید باید اینها انجام بگیرد، با بینات، با میزان و با حدید ((فیه باس شدید)) یعنی اگر چنانچه شخصی یا گروهی بخواهند یک جامعه را تباه کنند، یک حکومتی را که حکومت عدل است، تباه کنند، با بینات با آنها باید صحبت کرد، نشیندند با موازین، موازین عقلی، نشیندند با حدید.^(۹)

شما کدام یک از انبیا را سراغ دارید که در امور اجتماعی به آنطور حادث شرکت نکرده و سردمدار نبوده است موسی علیه السلام یک شبان با عصایش راه می افتد می رود سراغ فرعون، نمی آید توی بازار مساله بگوید این هم هست البته اما می رود سراغ فرعون، خدا هم او را می فرستد دنبال فرعون بروید او را دعوت کنید، دعوتش کنید، به قول لین هم دعوتش کنید و امثال ذلک، وقتی که قول لین نشد آنوقت قیام می خواهد. پیغمبر اکرم کدام روز نشست همین طوری فقط مساله بگوید، کاری به کار جامعه نداشته باشد اینهایی که می گویند آخوند چه کار دارد به امور سیاسی، پیغمبر اکرم کدام روزش از مسائل سیاسی خارج بود دولت تشکیل می داد، با اشخاصی که بر ضد اسلام، ستمگر بر مردم بودند، با آنها مبارزه میکرد، جنگ

می کرد. ما را آنطور می خواستند منزوی کنند که لباس جندی را می گفتند با عدالت منافات دارد. حضرت امیر لباس جندی داشت، با عدالت منافات داشت! حضرت سیدالشهدا نداشت لباس جندی اینها با آن تبلیغات بسیار وسیع شان ما را منزوی کرده بودند، یعنی خود ما را به مغزهای ما آنقدر خوانده بودند که خودمان باور کرده بودیم که نباید ما در سیاست دخالت کنیم. نخیر، مساله این نیست، مساله دخالت در سیاست در راس تعلیمات انبیاست، مساله جنگ مسلحانه با اشخاصی که آدم نمی شوند و می خواهند ملت را تباه کنند، در راس برنامه های انبیا بوده است. ما همه تعلیمات انبیا را کنار گذاشتیم، فقط به آن تعلیماتی که با - عرض می کنم - دخالت نکردن در سیاست و دخالت نکردن در جامعه، اینها فقط همینش را گرفته ایم، نمازش را گرفته ایم و باقی را رها کردیم. مگر امکان دارد که انسان مسلمان باشد به فقط نماز خواندن و روزه گرفتن و حج رفتن و امثال ذلک و در امر مسلمین دخالت نکردن اگر اهتمام به امر مسلمین کسی نکند مسلم نیست، به حسب روایت منسوب الی رسول الله.^(۱۰)

این قرآن کریم که در بین ید مسلمین هست و از صدر اول تا حالا یک کلمه، یک حرف در او زیاد و کم نشده است، این قرآن را وقتی که به عین تدبیر مشاهده بکنید می بینید که مساله، مساله این نیست که دعوت برای این بوده است که مردم توی خانه بنشینند و ذکر بگویند و با خدا خلوت کنند. او بوده است، لکن انحصار نبوده است. مساله، مساله دعوت به اجتماع، دعوت به سیاست، دعوت به مملکت داری و در عین حال که همه اینها عبادات است. عبادات جدای از سیاست و مصالح اجتماعی نبوده است. در اسلام تمام کارهایی که دعوت به آن شده است جنبه عبادی دارد. حتی در

کارخانه کار کردن، در کشاورزی کردن و در مدارس تعلیم و تربیت کردن، همه شان مصالح اسلامی است.^(۱۱)

در سیر الهی لازم نیست که انسان در یک گوشه ای بنشیند و بگوید من می خواهم سیر الی الله داشته باشم. خیر، سیر الی الله همان سیره و روش انبیا و خصوصا پیغمبر اسلام و ائمه معصومین است که در عین حالی که در جنگ وارد می شدند و می کشتند و کشته می دادند و حکومت می کردند، همه چیز سیر الی الله بود. اینطور نبود که آن روزی که حضرت امیر مشغول است، سیر الی الله نباشد و فقط در هنگامی که نماز می خواند سیر الی الله باشد، هر دویش سیر الی الله بود. لذا پیغمبر می فرماید ضربت علی در روز خندق افضل از عبادت ثقلین است.^(۱۲)

شما اگر ادعیه امام سجاد و سایر ائمه را ملاحظه بفرمائید مشحون است از اینکه مردم را بسازند برای یک امر بالاتر از آن چیزی که مردم عادی تصور می کنند. دعوت به توحید، دعوت به تهذیب نفس، دعوت به اعراض از دنیا، دعوت به خلوت با خدای تبارک و تعالی، معنی اش این بوده است که مردم توی خانه هایشان بنشینند و از مصالح امسلمین غفلت کنند و مشغول ذکر و دعا باشند. چنانچه خود آنها که ملاحظه می کنید اینطور نبودند.^(۱۳)

اسلام احکام اخلاقیش هم سیاسی است، همین حکمی که در قرآن هست که مومنین برادر هستند، این یک حکم اخلاقی است، یک حکم اجتماعی است، یک حکم سیاسی است. اگر مومنین، طوائف مختلفیه ای که در اسلام هستند و همه هم

مومن به خدا و پیغمبر اسلام هستند اینها با هم برادر باشند، همانطوری که برادر با برادر نظر محبت دارد، همه قشرها با هم نظر محبت داشته باشند علاوه بر اینکه یک اخلاق بزرگ اسلامی است و نتایج بزرگ اخلاقی دارد، یک حکم بزرگ اجتماعی است و نتایج بزرگ اجتماعی دارد. شما ببینید که در همین برهه از زمان که اسلام در اینجا یک سایه ضعیفی انداخته است، این برادری که مقدار ناقصی الان در ایران ایجاد شده است چه آثار رحمتی هست در آن و چه انعکاس رحمانیت الهی در این کشور هست. این جهاد سازندگی که همه قشرهای ملت را در تحت لوای خودش قرار داده است و جوان های ما از هر قشری در این جهاد سازندگی وارد می شوند، این اثر آن اخوت اسلامی است که دارند، اینها برادر هستند، توی یک کشور با هم برادر هستند و لهذا با نظر برادری به هم نگاه می کنند و اخوت اسلامی اقتضای این را می کند که در این جهت اجتماعی همه با هم کمک کنند و این کشوری که از خودشان هست همه آباد کنند آن را و پاکسازی کنند آن را و بسازند آن را و این یک حکم اخلاقی است که در آن حکم اجتماعی هم هست و علاوه بر این جهات سیاسی دارد. جهات سیاسی آن همین بوده، همه دیدید که ملت ایران وقتی که با هم مجتمع شدند و برادروار با هم در کنار هم بودند و همه توجه به برادری اسلامی خود داشتند، قدرت های بزرگ نتوانستند در مقابل این برادرها، در مقابل اینهایی که مجتمع با هم شدند، نتوانستند در مقابل اینها قیام کنند و تاب مقاومت بیاورند، همه راه خودشان را گرفتند و رفتند.^(۱۴)

بسیاری از احکام عبادی اسلام منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی است. عبادت های اسلامی اصولاً توأم با سیاست و تدبیر جامعه است. مثلاً نماز جماعت و اجتماع حج و جمعه در عین معنویت و آثار اخلاقی و اعتقادی، حائز آثار سیاسی است. اسلام این

گونه اجتماعات را فراهم کرده تا از آنها استفاده دینی بشود؛ عواطف برادری و همکاری افراد تقویت شود؛ رشد فکری بیشتری پیدا کنند؛ برای مشکلات سیاسی و اجتماعی خود راه‌حلهایی بیابند؛ و به دنبال آن به جهاد و کوشش دسته جمعی بپردازند. در کشورهای غیر اسلامی، یا حکومت‌های غیر اسلامی در کشورهای اسلامی، هر گاه بخواهند چنین اجتماعاتی فراهم آورند، مجبورند میلیون‌ها از ثروت و بودجه مملکت را صرف کنند .

تازه اجتماعات آن‌ها بی‌صفا و ظاهری و عاری از آثار خیر است. اسلام ترتیباتی داده که هر کس خودش آرزو می‌کند به حج برود، و راه افتاده به حج می‌رود. خودش با اشتیاق به نماز جماعت می‌رود. باید از این اجتماعات به منظور تبلیغات و تعلیمات دینی و توسعه نهضت اعتقادی و سیاسی اسلامی استفاده کنیم .^(۱۵)

﴿ حج و سیاست ﴾

بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده اند، و حج با آن همه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بی حاصل و بی ثمر باقی مانده است. یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند.^(۱)

حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود، حج پیام آور و ایجاد و بنای جامعه ای به دور از رذایل مادی و معنوی است، حج تجلی و تکرار همه صحنه های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست، و مناسک حج مناسک زندگی است و از آن جا که جامعه امت اسلامی از هر نژاد و ملیتی باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - پیوند خورد و یکی گردد و ید واحد شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش و آینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است.^(۲)

نقش سیاسی مساجد

از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در بیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبش ها بوده است. شما که از اهالی مسجد و از علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیت و برای قطع ایادی شرک و کفر و تایید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار بدهید.^(۱)

و ما باید این محتوای عظیم را باز گردانیم و اهتمام به امور مسلمین داشته باشیم و اهتمام به امور مسلمین، تنها مساله گوئی نیست، علاوه بر آنها، امور سیاسی و اجتماعی و سایر گرفتاری های مسلمین است که هر کس به آنها اهتمام نکند مسلمان نیست. و شما باید بر تمام امور مسلمین نظارت داشته باشید و سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد و توجه داشته باشید که عزلت و کناره گیری در اسلام نیست و این امر در یکی از طوایف غیر مسلمین بوده است که متاسفانه در بعضی از جوامع اسلامی رسوخ کرده.^(۲)

این مساجد است که این بساط را درست کرد، این مساجد است که نهضت را درست کرد. در عهد رسول الله هم و بعد از آن هم تا مدت ها مسجد مرکز اجتماع سیاسی بود مرکز تجیش جیوش بود. محراب یعنی مکان حرب مکان جنگ، هم

جنگ با شیطان و هم جنگ با طاغوت. از محراب ها باید جنگ پیدا بشود چنانچه بیشتر از محراب ها و از مسجدها پیدا می شد.^(۳)

﴿عزاداری و سیاست﴾

مساله کربلا که خودش در راس مسائل سیاسی هست، باید زنده بماند به همان فرمی که بود، منتها الفاظ تغییر بکند. مصیبت ها همان است، مصیبت ها تغییری ندارد، باید آن بعد سیاسی کربلا را برای مردم بیان کرد. سیدالشهدا به حسب روایات ما و به حسب عقاید ما از آنوقتی که از مدینه حرکت کرد می دانست که چی دارد می کند، می دانست شهید می شود، قبل از تولد او اطلاع داده بودند به حسب روایات ما. وقتی که آمد مکه و از مکه در آن حال بیرون رفت، یک حرکت سیاسی بزرگی بود که در یک وقتی که همه مردم دارند به مکه می روند، ایشان از مکه خارج بشود. این یک حرکت سیاسی بود، تمام حرکاتش، حرکات سیاسی بود، اسلامی - سیاسی و این حرکت اسلامی - سیاسی بود که بنی امیه را از بین برد و اگر این حرکت نبود، اسلام پایمال شده بود.^(۱)

منابع:

اسلام دین سیاست

- ۱- صحیفه نور ج ۵ صفحه ۱۰۷ تاریخ: ۵۷/۱۱/۳۰
- ۲- صحیفه نور جلد ۱ صفحه ۲۳۹ تاریخ: ۵۶/۷/۶
- ۳- ولایت فقیه - ص ۵
- ۴- صحیفه نور ج ۵ صفحه ۲۱ تاریخ: ۵۷/۱۱/۱۴
- ۵- صحیفه نور ج ۱۷ صفحه ۱۳۸ تاریخ: ۶۱/۱۰/۱۲
- ۶- صحیفه نور ج ۲۰ صفحه ۳۰ تاریخ: ۶۵/۶/۷
- ۷- صحیفه نور ج ۴ صفحه ۱۶۷ تاریخ: ۵۷/۱۰/۱۸
- ۸- صحیفه نور ج ۴ صفحه ۳۳ تاریخ: ۵۷/۹/۱۶
- ۹- صحیفه نور ج ۱۵ صفحه ۱۴۶ تاریخ سخنرانی: ۶۰/۶/۱۸
- ۱۰- صحیفه نور ج ۱۵ صفحه ۱۴۶ تاریخ سخنرانی: ۶۰/۶/۱۸
- ۱۱- صحیفه نور ج: ۱۸ صفحه: ۲۷۵ تاریخ سخنرانی: ۶۳/۲/۲۳
- ۱۲- صحیفه نور ج ۱۷ صفحه ۱۲۳ تاریخ: ۶۱/۱۰/۴
- ۱۳- صحیفه نور ج: ۱۸ صفحه: ۲۷۴ تاریخ سخنرانی: ۶۳/۳/۲۲
- ۱۴- صحیفه نور ج ۱۳ صفحه ۲۳ تاریخ: ۵۹/۵/۲۷
- ۱۵- ولایت فقیه - ص ۱۲۰ و ۱۱۹

حج و سیاست

- ۱- صحیفه نور ج ۲۰ صفحه ۲۲۸ تاریخ: ۲۹/۴/۶۷
- ۲- صحیفه نور ج ۲۰ صفحه ۲۲۹ تاریخ: ۲۹/۴/۶۷

نقش سیاسی مساجد

- ۱- صحیفه نور ج ۶ صفحه ۴۹ تاریخ: ۵۸/۲/۱
- ۲- صحیفه نور ج ۱۷ صفحه ۵۴ تاریخ: ۶۱/۷/۲۲
- ۳- صحیفه نور ج ۷ صفحه ۵۸ تاریخ سخنرانی: ۵۸/۳/۱۵

عزاداری و سیاست

- ۱- صحیفه نور ج ۱۸ صفحه ۱۴۰ تاریخ: ۱۳/۷/۶۲